

نوع مقاله: ترویجی

جایگاه و نقش محبت در خانواده اسلامی - ایرانی و راه‌های ایجاد آن


محمد رضا سلیمی افغانی / دانش‌پژوه کارشناسی علوم قرآنی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

mohmadrezasalimii@gmail.com

 orcid.org/0000-0002-9204-0733

mirderikvandi@qabas.net

رحیم میرددریکوندی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷

دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۴

چکیده

مهر و محبت یکی از برترین و باارزش‌ترین گوهرهای فطری و وجودی انسان است. دین اسلام نیز به مقوله محبت در خانواده اهمیتی ویژه داده است و ایجاد و تعمیق آن را برای خانواده‌ها ضروری دانسته؛ اما از بین رفتن و کم‌رنگ شدن محبت در میان اعضای خانواده، مسئله مهم حال حاضر دنیاست. هدف از این پژوهش، بررسی جایگاه و آثار محبت در خانواده و همچنین راه‌کارهای ایجاد آن در خانواده است. به‌منظور نیل به این هدف، در این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. با تحلیل و بررسی منابع دینی و اسلامی ایرانی، همچنین بررسی نظرات اندیشمندان اسلامی، درمی‌یابیم که حداقل ۹ راهکار عملی برای ایجاد محبت در میان اعضای خانواده، و ۱۲ اثر عملی از محبت در خانواده وجود دارد. ایجاد آرامش، استحکام خانواده، تربیت صحیح و بازدارندگی از فساد، از نتایج ایجاد محبت در خانواده است که در این مقاله به تفصیل به بیان هر کدام از آنها خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: محبت، خانواده اسلامی - ایرانی، راه‌کارهای ایجاد محبت.

مقدمه

آنچه از این آیه شریفه از قرآن کریم برمی آید این است که یک حس خدادادی که در اساس زندگی زن و مرد قرار داده شده، همین محبت و مهربانی است؛ زیرا اگر این موهبت الهی در کار نبود، معلوم نبود چه بر سر این رابطه زناشویی می آمد.

فناوری‌ها، تکنولوژی و دنیای مجازی که امروزه بشر با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، انسان را از آرامش و عاطفه محروم ساخته و لذا نیازمند آرامش و محبت اصیل است؛ محبتی که علاوه بر ارضای عاطفی، سلامت و امنیت را در خود داشته باشد و اطمینان‌بخش بوده و حس آرامش یا به اصطلاح قرآن «سکینه قلبی» را به همراه داشته باشد. این مشغله‌ها و سختی‌ها، نیازمندی به عاطفه و محبت دیدن و پرورش و گردش محبت (به‌سان گردش خون در بدن) را در انسان ارتقا می‌بخشد و وی نیاز به محبت کردن و محبت دیدن را در وجود خود به‌خوبی حس می‌کند. بهترین و سالم‌ترین فضا برای ارضای نیاز عاطفی انسان، خانواده است. خانواده بستری برای جبران کمبودها و کاستی‌ها و منبع اصیل آرامش و عاطفه است که این نقش، اهمیت خانواده و مسئله محبت را بیش‌ازپیش روشن می‌سازد. با توجه به اینکه در جهان کنونی، زندگی اخلاقی و عاطفی بشر دستخوش تغییراتی گشته و تزلزل ارزش‌های انسانی و اخلاقی و مبانی فکری سلیم، به‌خوبی حس می‌گردد (یوسفیان، ۱۳۸۶، ص ۲۶) می‌توان به ارزش محبت در بنیاد خانواده پی برد.

زن مؤمنه هنگامی که با مرد مؤمن ازدواج می‌کند، هر دو خود را موظف به رعایت مسائل الهی می‌دانند، و به‌عنوان دو یار مددکار و دو رفیق شفیق، دو دوست همدم و دو همراه و هم‌راز، فضای زندگی را از ورود مشکلات حفظ می‌کنند و چون مشکلی پیش آید به‌آسانی آن را حل و فصل می‌کنند، و با سلاح صبر و حلم به علاج درد برمی‌خیزند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۵۳)؛ ای اهل ایمان، از صبر و مقاومت کمک بگیرید و به ذکر خدا و نماز توسل جویید که خدا با صابران است.

خانواده از گذشته تا کنون بسیار مورد تحقیق و عنایت پژوهشگران و محققان بوده است؛ به‌طوری که در هر دوره از تاریخ، پژوهش‌های فراوانی درباره خانواده و ضرورت وجود و تشکیل آن به میان آمده است. در هر دوره از تاریخ، مسائل جدید مهمی پدید

زندگی روزمره بشری توأم با آسیب‌ها، تنش‌ها و کاستی‌هایی در زندگی بوده و همواره اشخاصی در گیرودار این میدان نفس‌گیر محک می‌خورند و به‌دنبال رسیدن به تکامل و پویایی و نیز پرورش استعدادهای خویش در مسیر رسیدن به اهداف اصلی خلقت بشریت، متناسب با اهداف و مشاغل خود با این موضوعات درگیر می‌شوند.

ازجمله مواردی که در قرآن درباره هدف خلقت انسان سخن گفته شده، آنجایی است که خدای تعالی می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶)؛ مقصود خداوند باری تعالی از این عبارت که «جن و انس را خلق نکردم مگر برای اینکه مرا پرستند» این است که «خلقشان نکردم، مگر برای اینکه مرا بشناسند».

اکنون سؤالی که مطرح می‌شود این است که: آیا محبت، راهی است برای معرفت، یا معرفت مسیری است برای رسیدن به محبت؟ یعنی کسانی که خدا را دوست دارند، خدا به آنها معرفت می‌دهد، یا اول باید معرفت پیدا کنند تا خدا را دوست بدارند؟! این سؤال شبیه سؤالی است که از رابطه میان ایمان و عمل وجود دارد. آیا ایمان موجب عمل می‌شود یا عمل موجب ایمان؟ جوابش هم این است که هر دو، هم ایمان موجب عمل می‌شود و هم عمل موجب تقویت ایمان. مرتبه‌ای از معرفت، موجب مرتبه‌ای از محبت می‌شود؛ که اگر آن محبت پیدا شد و انسان روی آن کار کرد، معرفت بیشتر می‌شود. معرفت که بالاتر رفت، دوباره محبت بیشتر می‌شود و همین‌طور، بر یکدیگر اثر متقابل دارند. طبیعی است انسان تا وقتی چیزی را نشناسد، دوست نخواهد داشت. دوست داشتن متوقف بر یک امر ادراکی است؛ باید انسان یک جمال و حسنی را در یک چیزی ببیند تا او را دوست بدارد؛ پس اول باید معرفت پیدا کرد (قائمی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۲ و ۱۰۳).

نکته مهم این است که محبت اگر برای خدا باشد یا مورد رضایت خداوند متعال باشد، به هر نوعی از انواع یقیناً امری ستوده است. همان‌گونه که خداوند در قرآن در رابطه با زن و مرد می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱)؛ و باز یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته و با هم انس بگیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود. در این امر نیز برای مردم بافکرت، ادله‌ای (از علم و حکمت حق) آشکار است.

که در تحقیقات و مقالات در زمینه خانواده مورد بررسی قرار نگرفته بود و یا احیاناً کم‌رنگ جلوه شده بود.

سؤال اصلی مقاله عبارت است از: جایگاه و نقش محبت در خانواده اسلامی - ایرانی چیست و راه‌های ایجاد آن کدام است؟
سؤال‌های فرعی نیز بدین قرارند: تعریف خانواده براساس تعالیم دینی چگونه است؟ آثار و پیامدهای محبت در خانواده چیست؟ براساس تعالیم اسلامی چگونه می‌توان محبت را افزون کرد؟

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. زوج

هر خانواده‌ای متشکل از دو زوج (نر و ماده) است و ما برای شناخت مفهوم خانواده ابتدا مفهوم زوج را تبیین می‌کنیم. به هریک از جفت نر و ماده حیوانات که با هم آمیزش دارند، «زوج» گویند و نیز به هر دو جفت در قرین بودن و غیر آن نیز زوج اطلاق می‌شود؛ مانند کفش و نعلین؛ و نیز به هر دو چیزی که یکی از آنها به دیگری شباهت داشته باشد و یا ضد هم باشند، باز هم زوج اطلاق می‌گردد. خداوند تعالی می‌فرماید: «فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى» (قیامت: ۳۹)؛ و همچنین آیه «اٰخْشُرُوا الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا وَاَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوْا يَعْْبُدُوْنَ» (یس: ۵۶)؛ یعنی نزدیکان ایشان را که در افعال و کردارشان به آنان اقتدا می‌کردند را نیز محشور و حاضر کنید؛ همچنین «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ اِلَىٰ مَا مَتَعْنَا بِهِ اَزْوَاجًا مِنْهُمْ» (اصافات: ۲۲)؛ یعنی هم‌فکران و هم‌ردیفان.

آیه شریفه «سُبْحٰنَ الَّذِيْ خَلَقَ الْاَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْاَرْضُ وَمِنْ اَنْفُسِهِمْ وَاَمَّا لَا يَعْلَمُوْنَ» (یس: ۳۶) و آیه «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ» (ذاریات: ۴۹)، تنبیهی است برای اینکه همه اشیاء مرکب از جوهر و عرض و ماده و صورت هستند و هیچ چیز از مصنوعات این قاعده مستثنا نمی‌باشد و باید همه این آفریده‌ها یک آفریننده‌ای داشته باشند و آن خالق، خداوند تعالی است که هیچ شبیه و مانندی ندارد.

و آیه «خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ» درصدد بیان این نکته است که هر آنچه در عالم وجود دارد، زوج است؛ از حیث اینکه برای آن ضد یا شبیه و یا نوعی ترکیب وجود دارد. به بیان دیگر، هر شیء اگرچه ضد و همانند نداشته باشد؛ ولی خالی از ترکیب جوهر و عرض نمی‌باشد و این ترکیب خود دال بر زوج بودن آن شیء است. آیه شریفه «اَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى» (طه: ۵۳)؛ یعنی انواع گیاهان متشابه و همچنین آیه

می‌آید که برخی از آنها پس از مدتی از بین می‌رود و یا در چند دوره بعد، افراد از آن فاصله گرفته و به فکر مسئله و موضوع جدیدی می‌افتند. در این میان باید بدانیم نظر اسلام و منابع اصیل اسلامی پیرامون این موضوعات چیست؟ اما در این میان خانواده به‌عنوان یکی از ناگسسته‌ترین، اصیل‌ترین و ارزشمندترین مسائل بوده که تا کنون جذابیت و حساسیت خود را از دست نداده است و همه دانشمندان شرق و غرب به ارزش و اهمیت آن واقف‌اند. ارزش محبت در خانواده آن‌قدر اساسی و حیاتی است که می‌توان به‌عنوان روح و ستون فقرات خانواده از آن یادکرد. حیات زندگی و تداوم مسیر آن برای رسیدن به اهداف، تنها به‌وسیله محبت در آن صورت می‌گیرد و وقتی محبت را از خانواده بگیریم، همچون جسدی بی‌جان می‌ماند که هر لحظه امکان از دست رفتن آن وجود دارد.

این اثر سعی دارد براساس تعلیمات دینی و سخنان بزرگان و پژوهش‌های انجام‌شده در باب خانواده، اثر محبت در خانواده و راه‌های ایجاد محبت در خانواده را بیان کند. وقتی این مسئله به‌خوبی واضح شود و مورد بررسی قرار بگیرد، می‌تواند بسیاری از مشکلات روحی - روانی و اقتصادی را حل و فصل کند و شاهد زندگی اسلامی را در کام مؤمنان قرار دهد (قائمی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۲).

اهمیت شناسایی وظایف و کارکردهای خانواده و آثار محبت بر آنها به گونه‌ای است که تحقیقاتی در این زمینه انجام شده است. آقایی زاده (۱۳۸۵) با بررسی جایگاه خانواده و کارکردهای آن، به این نتیجه می‌رسد که فلسفه تشکیل خانواده رسیدن به آرامش است. چراغی کوتیانی (۱۳۸۸) به بررسی رویکرد اسلام به کارکردهای خانواده می‌پردازد و آثار تربیتی محبت را در خانواده مورد بررسی قرار می‌دهد.

وجه نوآوری مقاله حاضر بر این اساس است که خانواده را که رکن اساسی جامعه ایرانی - اسلامی است را با دیدگاه جدید نظر افکنده است. مقاله حاضر برای برون‌رفت از مشکلات فعلی خانواده به سراغ نظریه‌های غربی و نوظهور نرفته که نیاز به اثبات، بلکه برای راه‌حل مشکلات خانواده، به اصولی‌ترین مسئله که از هر عقل سلیمی تراوش می‌شود و در اجتماع‌های کوچک و بزرگ اساس بقاست، نظر افکنده است. بسیاری از مشکلات را باید فرایند عدم محبت و عطفوت نگرسته و محبت را مخرجی برای برخی مشکلات دانسته و با این دیدگاه به سراغ حل مشکلات خانواده که در این حیطه به وجود آمده است، پرداخته است و راه‌های ایجاد محبت را مورد بررسی قرار داده

ذکر می‌کنند؛ میل به چیزی که آن را می‌بینی و با خیر و خوبی گماتش می‌نمایی؛ و محبت بر سه وجه است:

(۱) محبت برای لذت‌جویی: مثل محبت مرد به همسرش. به همین معناست آیه شریفه «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا» (انسان: ۸):

(۲) محبتی که برای منفعت‌طلبی است، مانند دوست داشتن چیزی به‌خاطر سوددهی که دارد. به‌همین معناست آیه شریفه «وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بُشْرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (صف: ۱۳):

(۳) دوست داشتن به‌خاطر خصوصیت ارزنده؛ مثل دوستی با اهل علم که به‌خاطر علمشان است و چه‌بسا محبت به اراده و خواستن چیزی تفسیر شده است؛ مثل آیه شریفه «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَّرُوا» (توبه: ۱۰۸)، (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۹).

۱-۳. خانواده

براساس تعالیم اسلامی، خانواده مجموعه‌ای است از افراد با رابطه‌های سببی و نسبی (والدینی، فرزندی، خواهری و برادری). این افراد در برابر هم متناسب با نوع نسبت و ارتباط، مسئولیت‌های اجتماعی، حقوقی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی، و دینی دارند (سالاری‌فر، ۱۳۸۵، ص ۱۳).

۲. آثار و پیامدهای محبت بر خانواده

۲-۱. محبت و ایجاد آرامش

ازجمله چیزهایی که باعث آرامش می‌شود، تکیه‌گاهی از محبت همسر است. وقتی شخص می‌بیند دارای اهمیت است و در خانواده برای او ارزش قائل‌اند، اعتماد به نفسی در کارها برای او به‌وجود می‌آید که میوه محبت در خانواده است؛ افزون بر اینکه موفقیت در گام‌های بعدی زندگی و رفع مشکلات خود و دیگران را مرهون محبتی است که در خانواده دیده است. باید دانست که اولاً کلمه (ازدواج) جمع زوج است و زوج به معنای همسر؛ و همسر بر هریک از مرد و زن اطلاق می‌گردد و مخاطب این آیات، همه انسان‌ها هستند؛ نه مردان. پس می‌توان فهمید که آرامش یادشده امری دوسویه است؛ به‌ویژه در آیه ۲۱ سوره «روم» منشأ آرامش مرد در سایه آنس به زن را مودت و رحمت می‌داند که خدای سبحان بین آنها نهاده و از آن به (آیات الهی) یاد کرده است. به‌راستی وجود همسران برای انسان‌ها که مایه آرامش و

شریفه «مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» (لقمان: ۱۰) و آیه «ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ» (لقمان: ۱۴۳)؛ یعنی هشت صنف. آیه «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً» (واقعه: ۷)؛ شما سه گروه بودید که خداوند آنها را در آیات بعد تفسیر می‌کرده، نیز نمایان‌گر همین معنا هستند.

طبق نص آیات قرآن کریم، مسئله زوجیت شامل همه مخلوقات می‌گردد؛ چنان‌که در آیاتی چند به توضیح آن پرداخته شده: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (ذاریات: ۴۹)؛ به همه موجودات تصریح دارد. بنابراین انسان نیز که یکی از مخلوقات خداست، دارای دو جنس نر و ماده و توالد و تناسل است. ازدواج و انتخاب جفت، از امور لازم در زندگی جانداران، از جمله گیاهان و جانوران است. خلقت موجودات زنده نیز به‌گونه‌ای است که هر کدام از آنها آگاهانه یا ناخودآگاه، به انتخاب جفت پرداخته و برای بقای نسل و تکثیر نوع اقدام می‌کنند، یا هدایت و رهبری می‌شوند. جفت‌آفرینی جانداران و وجود گزینه جنسی در آنها، راهی برای محفوظ ماندن نسل جاندار به‌شمار می‌رود. این زوجیت گاهی در امور اعتباری است؛ مانند قرارداد زناشویی در دنیا که در قرآن آیات فراوانی دارد و با قرار نکاح پدید می‌آید و با قرار طلاق ناپدید می‌شود و وجود و عدم آن، به اعتبار معتبر است؛ و زمانی در امور تکوینی، مانند زوجیت گیاه؛ «مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ» (الرحمن: ۵۲)؛ زیرا دو فرد از یک میوه از یک حقیقت‌اند. و نظیر زوجیت در حیوان؛ «وَأَنْزَلْنَا لَكُمْ مِنْ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ» (زمر: ۶)؛ و فراتر از آن، درباره زوجیت در همه اشیا می‌فرماید: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (ذاریات: ۴۹)؛ وجود و عدم این‌گونه از زوجیت‌ها با قرارداد و اعتبار معتبر نیست؛ پس خدا از هر حقیقتی، اعم از انسان‌ها، حیوانات، گیاهان جمادات، یک جفت آفریده و میان آن دو جاذبه ایجاد کرده است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۲۸).

۱-۲. محبت

محبت از ریشه «حَبَّ» و تقيض «بغض» به معنای کشش شدید، دوست داشتن و مودت است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ذیل ماده حب) حَبَّ به معنای محبت و حِبَّ (با کسره) به معنای حیب و محبوب به‌کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ذیل ماده).

راغب اصفهانی نیز در خصوص معنای محبت در قرآن توضیحاتی داده است که برای روشن‌تر شدن معنای محبت آنها را

فرزندانش را به‌سوی حاکم مصر فرستاد تا با دریافت گندم موردنیاز، قحطی سال را سپری سازند و حتی در دومین بار برای گندم، فرزند محبوب خود بنیامین را نیز همراه برادران وی گسیل داشت (یوسف: ۶۸-۵۸؛ جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۳۳).

۲-۲. استحکام بنیان خانواده

خانواده‌ای که در محور دو رکن مودت و رحمت قرار دارد، خدایی شکل می‌گیرد و دارای اساس مستحکم است. در چنین خانواده‌ای فرزندی به‌بار می‌آید که مایهٔ قوام خانواده است؛ کریمانه با پدر و مادر رفتار می‌کند و بال مهربانی و رحمت را برایشان می‌گستراند. براساس همان دو عنصر محوری، خدا به مرد که مسئول تمام هزینه‌هاست، دستور می‌دهد که در زندگی زناشویی با زن معاشرت نیکو داشته باشد و با او به شایستگی رفتار کند. بی‌تردید این‌گونه منش‌ها مایه استحکام خانواده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۲۸).

جنبه اقتصادی فقط بخش معیشت خانواده را برعهده دارد و جنبه‌های دیگر رفتاری خانواده نیز بر استحکام خانواده اثر می‌گذارد. نرم‌خویی و محبت کردن می‌تواند قوام خانواده را بیشتر کند و حتی معیشت خانواده نیز در اثر آن بیشتر می‌شود. وقتی افراد خانواده با روحیات شاد و مثبت و با انرژی قدم به میدان تلاش و کار می‌گذارند، مسلماً نسبت به شخصی که به‌خاطر مشکلات خانوادگی نگران و ناراحت است و انگیزه‌های برای تلاش ندارد و در بی‌حوصلگی و درماندگی به سر می‌برد، بیشتر می‌تواند برای خانواده تلاش کنند. این فضا برای دیگران اثربخش است، افرادی که بانشاط هستند، نشاط را به دیگران نیز عرضه می‌کنند و افرادی که نگرانی و ناراحتی دارند، به جو جامعه نیز ضربه زده و پیکرهٔ جامعه را به‌هم می‌ریزند. لذا در روایات می‌بینیم مؤمنان را طوری وصف می‌کنند که نشاط آنان در صورت، و حزن و اندوهشان را در دل می‌پروراندند. اینکه در روایات داریم اگر مردی به همسر خودش سخن محبت‌آمیز بزند، هرگز از قلب او پاک نمی‌شود؛ اثرات بسیاری را بر زندگی می‌گذارد که بهترین آن را می‌توان استحکام بنیاد خانواده تعبیر کرد. وقتی در مشکلات، مرد احساس می‌کند که در کنار او و پایه‌پای او کسی هست که مشکلات را تحمل می‌کند؛ احساس دلگرمی می‌کند و سعی می‌کند این حامی را از دست ندهد و به او محبت می‌کند. برآوردن نیازهای عاطفی، مهم‌ترین کارکردی

زندگی آنهاست، از مواهب الهی است و این آرامش از اینجا سرچشمه می‌گیرد که این دو مکمل یکدیگر و مایهٔ شکوفایی و نشاط پرورش همه‌اند؛ به‌طوری که هریک بدون دیگری ناقص است. ثانیاً اگر تنها آرامش مرد در سایهٔ زن مراد باشد و مرد نقشی در آرامش‌بخشی زن نداشته باشد و به تعبیر دیگر، این آرامش یک‌سویه باشد؛ این خود نشان از ستایش زن است، نه نشانه فروتری زن؛ زیرا در پرتو آن، اضطراب‌ها و نگرانی‌ها از فکر و اندیشه مرد، رخت برمی‌بندند و به‌گونه‌ای صحیح می‌تواند کنار همسر خود نقش واقعی خود را ایفا کند. درواقع خواستگاه گرایش مرد به زن تا اینکه کنار زن آرامش یابد، مودت و رحمتی است که خدای متعال میان آنها قرار داده و این مودت الهی و رحمت خدایی، گرایش غریزی نر و ماده نیست؛ چراکه این گرایش غریزی در حیوانات است؛ ولی قرآن آن گرایش غریزی را آیه الهی نهاده است. راز اصیل آفرینش زن، آرامش زن و مرد است؛ نه گرایش غریزی و فرونشاندن آتش شهوت. خدای سبحان اصالت را در ایجاد این آرامش به زن داده و او را در این امر روانی، اصل دانسته و مردان را مجذوب مهر زن معرفی کرده و از این‌روست که زن، محبوب رسول اکرم ﷺ است. خلقت زن برای خدمت‌رسانی به مرد نیست؛ بلکه یا هر دو کنار یکدیگر به آرامش برسند؛ یا درواقع، زن را محور ستایش قرار می‌دهد که با استفاده از مودت در جهت الهی مایه آرامش مرد باشد، تا او بهتر بتواند نقش خود را در جامعه و خانواده ایفا کند. خانواده نخستین کانون رشد و آرامش بشری است که مراقبت از آن مسئولیتی سنگین به‌شمار آمده و موجب نجات از رنج و عذاب دنیوی و اخروی خواهد گردید. قرآن و روایات برای خانواده اهمیت ویژه‌ای قائل شده و احکام و آداب فراوانی برای رشد و بالندگی آن مقرر کرده‌اند که افزون بر رعایت آنها برای رفاه و آسایش و رشد و تعالی خانواده، باید از خدای سبحان نیز نجات و آسایش خانواده را طلب کرد. وقتی حضرت به فرمان خدا همسر و فرزند خود را به مکه آورد، دست به دعا برداشت و عرض کرد: پروردگارا! من برخی فرزندانم را در سرزمین بی‌کشت و زرع، در کنار خانه محترم تو سکونت دادم، تا نماز را بر پا دارند؛ پس دل‌های گروهی از مردم را به آنان گرایش ده و آنان را از میوه‌ها و محصولات روزی عطا کن؛ باشد که سپاسگزاری کنند (ابراهیم: ۳۷). همچنین جناب لوط که پس از تلاش فرهنگی فراوان نتوانست مردم را از هلاک شدن برهاند، برای نجات خانواده باایمان خود نیز دعا فرمود (شعرا: ۱۶۹). حضرت یعقوب ﷺ برای تأمین نیاز خانواده خود،

مستقیم هدایت شود، منشأ بسیاری از خیرات خواهد شد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «رحم‌الله عبداً احسن فیما بینہ و بین زوجته» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۲۴)؛ خدا رحمت کند بنده‌ای که رابطه میان خود و همسرش را نیکو قرار دهد. ارتباط عاطفی بر پایه عشق و محبت استوار است. ارتباط اجتماعی مقدمه برقراری ارتباط عاطفی است؛ ولی عین آن نیست. رابطه اجتماعی با دیگران همیشه به تعامل عاطفی نمی‌انجامد و حتی در بسیاری موارد، افراد در ارتباط اجتماعی برخلاف تشخیص عاطفی خود عمل می‌کنند. در ارتباط عاطفی، تبادل محبت و عواطف وجود دارد و کمبود و توجه احساسات مثبت از سوی اطرافیان جبران می‌شود و خلأ عاطفی از میان خواهد رفت. این نوع رابطه می‌تواند به صورت ابراز علاقه، گفت‌وگوی دوطرفه و درک طرف مقابل نمایان شود. هرچه رابطه عاطفی شخص با اطرافیان قوی‌تر باشد، آرامش روانی بیشتری برای او به ارمغان می‌آورد و در میان جمع، صمیمیت بیشتری احساس خواهد کرد (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۳۴).

۲-۴. حفظ شئونات خانواده

در زندگی مشترک شاید رعایت کامل آداب امکان‌پذیر نباشد؛ ولی وجود احترام متقابل، اصل اساسی است. اختلاف و درگیری‌های آشکار هنگامی پدید می‌آیند که پرده حرمت میان آنها دریده شود و طرفین برای یکدیگر ارزش و احترامی قائل نباشند. مهم‌ترین شیوه برای جلوگیری از پیدایش درگیری‌ها میان زن و شوهر، تحکیم روابط بین آنهاست. تکریم یکدیگر طرفین را به یکدیگر علاقه‌مند می‌کند. حرمت‌گذارن به هم، تحسین و تکریم شخصیت، نیاز طبیعی هر انسانی است. انسان به مقتضای غریزه حب ذات که در طبیعت او نهاده شده، به ذات خویش علاقه دارد و مایل است دیگران نیز شخصیت او را بپذیرند و گرمی بدارند. اگر مرد در خانه زبان مؤدب داشته باشد، به‌رحال در زن و فرزندان اثر می‌گذارد و به تجربه ثابت شده که فرزندان مؤدب، پدر و مادر بالاد داشته‌اند و بالعکس (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۲۷). از عوامل مؤثر در تربیت عاطفی، حاکمیت فرهنگ احترام متقابل در خانواده است. غریزه حب ذات، در سرشت انسان نهاده شده است و هرکس می‌کوشد شخصیتش پذیرفته و گرمی داشته شود (قائم‌امیری، ۱۳۸۳، ص ۲۵۸؛ اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۸-۲۵۹).

است که تداوم و استحکام خانواده را تضمین می‌کند. ارضای عاطفی در محیط‌های مختلف دیگر نیز کم‌وبیش یافت می‌شود؛ اما رضایت‌بخش‌ترین روابط شخصی افراد در خانواده و با همسران شکل می‌گیرد. افراد، امنیت جسمی و روحی خود را در خانواده جست‌وجو می‌کنند و خانه را پناهگاهی از کشمکش‌ها و ناهنجاری‌های دنیای بیرون می‌دانند. بسیاری از کسانی که به دلیل نیافتن امنیت و خشنودی لازم، به طلاق روی می‌آورند، بار دیگر برای دستیابی به آن، خانواده جدیدی بنا می‌کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۳).

از مهم‌ترین موارد نیکی به همسر، اظهار محبت به وی و آراستگی ظاهری مرد است، که از عوامل تحکیم خانواده به‌شمار می‌آید. امیرمؤمنان علیه السلام در وصیت به محمد حنفیه فرمود: به‌راستی زن ریحانه (شاخه گل) است و قهرمان نیست؛ پس در هر حال با وی مدارا کن و همراهی نیکو داشته باش تا زندگی‌ات باصفا گردد. امام صادق علیه السلام فرمودند: بر شوهر در تعامل با همسرش سه چیز ضروری است: موافقت با وی تا موافقت و محبت و میل او را به خود جلب کند؛ خوش‌اخلاقی با وی و دلبری از او با آراستگی ظاهر در نگاهش و گشایش در زندگی برای او. امام کاظم علیه السلام نیز فرمودند: آرایش مرد برای همسرش از عوامل افزایش عفت زن است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۵۹).

۲-۳. تأثیر متقابل

میل به محبت دیدن و محبت‌ورزی از تمایلات فطری انسان است که در دوره‌ای از زندگی، تحول و رشد در انسان به آن نیازمند است و باید از بدو تولد تا آخرین زمان، متناسب با دوره رشد خویش، همواره این نیاز عالی و اساسی تأمین شود (احمدی، ۱۳۸۰).

عوامل تربیت عاطفی زمینه‌هایی‌اند که در ارتباط یک انسان با دیگران تحقق یافته و باعث اثرگذاری بر عواطف و منش شخصیتی دیگر می‌شوند و در عمل به سود همدیگر گام برمی‌دارند؛ یا دست‌کم اظهار هم‌دردی و یا احساس هم‌دلی می‌کنند. این آثار به شکل محبت، مودت، رحمت، لطف، رأفت، عفو و گذشت، خشوع، الفت، شفقت، احسان، حلم، شکر و مانند آن در عملکرد افراد نمود می‌یابد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۷).

محبت واقعی همیشه دوطرفه بوده و دوطرف را شیفته می‌کند. این محبت دوطرفه سرآغاز بسیاری از فعالیت‌هاست که اگر به راه

جرم و بزهکاری کودکان و نوجوانان باشد. امروزه دانشمندان و جرم‌شناسان، روابط ناسالم در خانواده را از عوامل اجتماعی جرم‌ساز می‌دانند؛ زیرا ارتباط محیط کودک با خانواده، بیش از دیگر محیط‌ها در شکل دادن رفتار مؤثر است (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۳۴).

یکی از مشکلات فعلی خانواده‌ها عدم ایجاد فضای محبت‌آمیز و ارضای محبت فرزند در خانواده است. این مشکل باعث می‌شود فرزند در مقابل محبت‌های دیگران به‌زودی خم شود و خواسته‌های طرف مقابل را بپذیرد؛ تا این محبت او استمرار داشته باشد که در برخی از این محبت‌های بی‌جا اهداف شومی نهفته است و مشکلات فراوانی را به‌همراه دارد.

در روایت آمده است روزی رسول خدا ﷺ حسن و حسین را می‌بوسید؛ شخصی به نام اقرع بن حابس گفت: من ده فرزند دارم و هرگز هیچ‌یک از آنها را نبوسیده‌ام. آن حضرت فرمود: هر کس رحم نکند، بر او رحم نمی‌شود. به روایتی آن حضرت به‌قدری از این گفتار وی خشمگین شد که چهره‌اش برافروخت و به او فرمود: اگر خدا عاقله را از دلت کنده است، با تو چه کنم؟ هر کس به خردسالان ما مهر نرزد و بزرگان ما را احترام نکند، از ما نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۵۰). از مجموع روایات به‌دست می‌آید که محبت نقش کلیدی در خانواده مخصوصاً بین والدین و فرزند دارد و آیا کاری مهم‌تر از تربیت و جلوگیری از مفاسد اخلاقی برای خانواده در خصوص فرزند هست؟

۲-۶. به‌ارث گذاشتن محبت برای فرزندان و آیندگان

یکی از مؤلفه‌های مؤثر در عادت و یا شقاوت بشر، وراثت است. صفات و خصوصیات والدین از طریق ژن‌های تشکیل‌دهنده نطفه، به فرزند منتقل می‌شود و در تعیین مسیر رشد و نمو و شکل‌گیری شخصیت کودک تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، تربیت نقش چشمگیری در تکامل شخصیت دارد و اولین مکان برای رشد و نمو بسیاری از زمینه‌های اخلاقی، محیط خانواده است و کودک بسیاری از فضائل و ردایلی اخلاقی را از خانواده، و بخصوص پدر و مادر کسب می‌کند (بصیری و گوهری، ۱۳۹۲).

اگر محبت در میان افراد خانواده به‌وفور دیده شود و افراد خانواده فضایی صمیمی داشته باشند و در کنار هم مشکلات را حل‌وفصل کنند، یک نهال در دل فرزندان کاشته می‌شود و این افراد وقتی برای خود خانواده‌ای تشکیل می‌دهند، این نهال را دوباره آبیاری می‌کنند و

خانواده به‌عنوان مهم‌ترین رکن در تأثیرگذاری بر جامعه، باید از بهترین و شیواترین و کاربردی‌ترین اصول اخلاقی و تربیتی برخوردار باشد. مبانی و ایدئولوژی‌های خانواده است که به جامعه سرایت می‌کند. اگر خانواده را جامعه‌ای کوچک بنامیم؛ در این خانواده مهم‌ترین چیزی که ابتدای کار به‌چشم می‌خورد، تعامل و حفظ شئون افراد خانواده با هم است و این نوع تعامل و سازش بر روابط افراد جامعه اثر می‌گذارد و پایه‌ای اساسی برای شکل‌گیری روابط می‌شود.

۲-۵. محبت عامل بازدارنده از فساد

هم‌دلی والدین اثری مهم بر محافظت و مراقبت از فرزند دارد؛ زیرا هنگامی که والدین از وضعیت و شرایط فرزندشان آگاه باشند و او را درک کنند، به دقت و درجه مراقبت خود از فرزندشان در هنگام بروز مشکل و آسیب می‌افزایند و در زندگی فردی و اجتماعی وی مهر و الفت را به‌ارمغان می‌آورند (قائمی امیری، ۱۳۹۲، ص ۲۰). تربیت کودک در خانواده نقش اساسی دارد و اولین و مهم‌ترین کانون برای رشد فرزند مخصوصاً در سال‌های ابتدایی زندگی، خانواده است که نقش اساسی و کلیدی در سعادت و شقاوت او ایجاد می‌کند. اسلام به‌همان میزان که به تشکیل خانواده تأکید فراوان دارد، برای حفظ و تداوم آن و دور نگه داشتن آن از تزلزل و ازهم‌پاشیدن نیز برنامه‌هایی را پیش‌بینی و تهیه کرده است؛ از جمله آنکه ارضای همه لذات را در چارچوب نظام خانواده مشروع می‌داند و زن و مرد را از حرکات و رفتار بدون رعایت نظام دین برحذر می‌دارد. این مراقبت‌ها و رعایت‌ها به دلیل نقش‌های سازنده و متعددی است که خانواده باید آن را ایفا کند (قائمی امیری، ۱۳۹۲، ص ۱۸-۱۷).

سلامت خانواده تأثیرات مهمی بر زوجین، فرزندان و کارآمدی فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه دارد. نارضایتی و ناکامی در ارضای نیازهای عاطفی - روانی خانواده، جامعه را در معرض آسیب‌های زیادی قرار می‌دهد که دامنه‌ای از افسردگی، پرخاشگری و سواس تا استعمال مواد مخدر و روابط جنسی گسترده است. فرزندان چنین خانواده‌هایی نیز اغلب سرنوشت ناخوشایندی در پیش دارند. خانواده، درس‌آموز بسیاری از ملکات، فضایل و موجب بسیاری از عادت‌ها و رفتارهای ارزنده است. روابط سالم خانواده می‌تواند عاملی مؤثر در جلوگیری از بروز انحراف‌ها و بزهکاری‌های اجتماعی باشد، همان‌گونه که روابط ناسالم میان والدین و فرزندان می‌تواند زمینه‌ساز

از میوه آن در خانواده خود بهره می‌برند و نشاط روحی را که از خانواده خود دیده است را در خانواده جدید منتشر می‌کند و این خود، تولیدکننده خانواده بانگیزه است. فرزندان در ایامی که در خانه هستند، تمامی حالات و روحيات خود را از خانواده خود الگوبرداری می‌کنند و در زندگی شخصی و روزمره خود، جز آنچه در درونشان به وجود آمده را به صحنه عمل نمی‌آورند. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: فرزندان خود را گرمی دارید و آنان را خوب تربیت کنید که موجب مغفرت شماست (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۵۰). این روایت، چراغی روشن برای آینده است که بیان می‌کند اثر تربیت صحیح برای آینده شما و فرزندان بسیار مهم و اساسی است و آینده را برای شما و فرزندان روشن می‌سازد و اگر فرزندی خوب تربیت شود و اصول زندگی را فراگیرد، می‌تواند برای فرزندش این سنت حسنه را باقی بگذارد.

۲-۷. تربیت صحیح

واژه تربیت نیز از نظر لغوی به معنای پروراندن، آموختن، تأدیب و سیاست، ترقی و برتری، احسان و تقدیر بر شاگرد و دیگر زیردستان استعمال شده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۵۷۷۶). لازمه شادابی و نشاط روانی زن و مرد، به‌ویژه زن این است که خود را محبوب همسر خویش ببیند و از عشق و علاقه او مطمئن باشد. اگر زن درباره محبت و علاقه همسرش به خود تردید کند، احساس درماندگی و ناتوانی عاطفی به او دست می‌دهد، این مسئله چنان بر روان زن اثر می‌گذارد که علاقه او به فرزندش نیز کمتر می‌شود. به بیان دیگر، عاطفه مادری به شدت از عواطف شوهر در قبال زن تأثیر می‌پذیرد و این خود نشان می‌دهد که هرچه محبت و علاقه در روابط عاطفی والدین بیشتر برقرار باشد، فرزندی تربیت خواهند شد که محبت را در کانون اعمال و رفتار خویش قرار خواهند داد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶).

در بسیاری از محافل عملی و تئوری برای کارهای فرهنگی و تأثیرگذار بر روی افراد، قدم اول را خوش اخلاقی و محبت کردن قلمداد می‌کنند و تا مهربانی و محبت نباشد، تربیت کردن امری ناممکن است. قرآن کریم نیز این امر مهم را به پیامبر و مسلمین یادآوری می‌کند که آن چیزی که از تفرقه و جدایی جلوگیری و باعث جذب افراد به سوی دین مبارک شد، رأفت و مهربانی پیامبر در برخورد با افراد جامعه بود. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّضُوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹). پس تربیت نیاز به پشتوانه‌ای استوار و قدرتی

نامرئی به نام محبت دارد، تا بتواند سیر و حرکت خود را آغاز کند. کمبود محبت، ناهنجاری‌های بسیاری را به وجود می‌آورد. غالباً در افرادی که دست به کارهای قبیح می‌زنند، مشاهده می‌شود مهم‌ترین دلیل، عدم محبت بوده است. برای همین است که فرموده‌اند؛ هر کس نفسش ذلیل باشد کسی از شرش در امان نیست؛ هرچند نهادهای دیگری نیز می‌توانند نقش تربیت و آموزش فرزندان را ایفا کنند؛ ولی هیچ‌کدام به سلامت و پاکی نهاد خانواده نیست. خانواده، سالم‌ترین محیط برای شکل‌گیری شخصیت فرزند است و در انتقال ارزش‌های اخلاقی بهترین نقش را ایفا می‌کند. دلیل آن نیز دلسوزی عمیق و نیز عاشقانه و خالصانه بودن تربیت از طریق نهاد خانواده است که در نهادهای هم‌عرض آن یا اصلاً مشاهده نمی‌شود و صرفاً رویکرد مادی و سودآوری و امثال آن را دارند و یا بسیار کم‌رنگ است.

۲-۸. بیان مشکلات توسط فرزندان

فرزندان در سنین پایین از اولین روزهای شکل‌گیری عواطف و احساسات و درک مفاهیم کلی و جزئی در محیط خانواده پرورش پیدا می‌کنند و بعد از کمی بزرگ‌شدن و رابطه گرفتن با دیگران، مخصوصاً همسالان، با آنها عجین شده و تأثیرپذیر می‌شوند؛ هرچند این تأثیر در ابتدا کم باشد؛ اما پس از سپری شدن زمان و رشد عواطف و عقل کودک، نیاز او برای دوستی و احساس عواطف و محبت کردن رو به افزایش می‌رود و در او نیاز جدیدی پیدا می‌شود که دوستی برگزیند تا او را درک کند و به عقاید او احترام بگذارد و او را دوست بدارد و دوست داشته شود. در این برهه زمانی مهم، اگر خانواده تا الآن به فرزند خود محبت کرده باشد و در فضای خانواده پرورش یافته باشد، می‌تواند کارها و مشکلات خود را با خانواده خود در میان بگذارد و همان‌طور که از یک دوست انتظاراتی دارد، می‌تواند این انتظارات را در محیط خانواده محقق ببیند و راه درمان مشکلات را از خانواده می‌جوید. ولی اگر خانواده را جز محلی برای اختلاف و مشاجرات و پرسش و پاسخ‌های بی‌حد نبیند، مسلماً خانواده را از خود جدا می‌بیند و در برخی موارد ممکن است او را مزاحم تلقی کند و ارتباط را از آنها جدا کند و به دیگر افرادی که به او بها می‌دهند، بپیوندد و مشکلات را بازگو کند. جوان اگر احترام ببیند و تکریم شود، اعتماد می‌کند و نیرو و انرژی‌اش را در مسیر سالم و سازنده‌ای به کار می‌اندازد؛ ولی اگر از صحنه‌های فعال جامعه عقب رانده شود، نیرویش را در خود مصرف می‌کند (شرفی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۹).

۲-۹. الگوبرداری فرزندان

و تربیت فرد در آن به‌خوبی صورت نگیرد، می‌تواند مولد بحران‌های پایدار در جامعه باشد. به‌عبارت بهتر، تربیت فرد و جامعه از یکدیگر جدا نیست و آنچه در خانواده و در طول حیات فرد می‌گذرد، تأثیر بسزایی در استحکام پایه‌های اجتماعی تربیتی دارد (عالمی، ۱۳۹۰). البته محبت افراطی که باعث نادیده گرفتن عیوب شود، نباید به‌وجود بیاید و آن‌گونه که در روایات آمده است؛ دوست‌داشتن یک چیز انسان را کور و کر می‌کند؛ نتیجه این محبت، گمراهی است. نادیده گرفتن عیوب در دل بستن‌های افراطی از بین می‌رود و آن عیوب پیدا می‌شوند و معلوم نیست بتوان از آنها عبور کرد و آنها را نادیده گرفت (مهریزی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۶).

۲-۱۱. جلوگیری از تعرض دیگران

در دین اسلام تعریض و کنایه زدن به زن شوهردار حرام است. جدای از دین این کار بسیار زننده و نابجایی است که به زنی که برای خود همسری برگزیده نشانه‌های علاقه و عشق را اظهار کرد. در فرهنگ اسلامی، ازدواج و تشکیل خانواده مقدس و خانواده به‌مثابه دژی استوار و اصلی‌ترین نهاد اجتماع محسوب می‌شود، که بیشترین مسئولیت را در تحول و شکوفایی شخصیت، تربیت و تعالی، پرورش مهارت‌های اجتماعی و سعادت انسان، و نیز سلامت و اعتدالی جوامع بشری بر عهده دارد. اگر زن و مرد در محیط خانواده از نظر عاطفی، جنسی، احترام و محبت و دیگر نیازهای روحی - روانی اکتفا شوند، بعضی ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی پدید نخواهد آمد. اگر زن خود را برای شوهر بیاراید و مرد همه زیبایی را در قد و قامت همسر خود ببیند، کمتر گرفتار هوس‌بازی‌ها و چشم‌چرانی‌ها خواهد شد. اگر مرد در خانه به همسر خود توجه کند و نیازهای عاطفی و جنسی را برآورده سازد؛ رفتار مردان دیگر برای او جذاب نخواهد بود. اگر خانواده، محل آسایش باشد و نیاز به احترام همسران در خانه ارضا شود؛ مردان با شوق به خانه روی می‌آورند و از شب‌نشینی‌ها و گذراندن اوقات خود با دوستان پرهیز می‌کنند (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱، ص ۴۰).

۲-۱۲. صمیمیت، شرط اول پیشرفت و خود سازی

براساس تفاوت‌های جسمانی و روانی زنان و مردان، نقش زنان در ایجاد محبت و گسترش عواطف در خانواده، پررنگ‌تر بوده و از همین رو در رفع کدورت‌ها مسئولیت بیشتری برعهده اوست (آیت‌اللهی و

از بهترین عوامل مؤثر در تربیت عاطفی، اخلاقی، روانی و اجتماعی فرزند، الگودهی است. والدین نخستین الگوهای تربیتی فرزندان‌اند و مسئولیت‌های دشواری در این زمینه بر عهده دارند؛ مسئولیتی که باعث رشد و شکوفایی عواطف و فضایل اخلاقی خود و در پی آن فرزندان‌شان می‌شود. والدین با این مسئولیت، باید نمونه افراد صالح و شایسته باشند و خوبی‌ها را برای فرزندان، در عمل به نمایش بگذارند؛ تا امیال فطری آنها به رفتارهای شایسته و نیک از حالت بالقوه به‌فعلیت برسند. اگر پدر و مادر به این نکته توجه نکنند، نه‌تنها زندگی فردی خود را به ناپاکی‌ها می‌آیند؛ بلکه زندگی توأم با ناشایستگی‌ها برای فرزندان خود ترسیم خواهند کرد (فقیهی و نجفی، ۱۳۹۲، ص ۸). الگوی صالح‌بودن والدین، از مهم‌ترین و اثربخش‌ترین روش‌های یادگیری و اجتماعی‌شدن فرزندان در تربیت مطلوب دینی است. فرزندان به‌دلیل آمادگی ذهنی، انگیزه شدیدی به انتخاب معیار در زندگی خود دارند و در نخستین گام، پدر و مادر را سرمشق خود قرار می‌دهند و در صورت شایسته‌نبودن الگو و فقدان روابط عاطفی میان والدین، اثری نامطلوب بر جای می‌گذارد (فلاح رفیع، ۱۳۹۱، ص ۳۵). امیرمؤمنان علی^{علیه السلام} درباره نوجوان می‌فرماید: «دل نوجوان همچون زمین خالی است که هرچه در آن افکنده شود، می‌پذیرد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۷، نامه ۳۱). با دانستن این مطالب و اهمیت این دوران برای ما روشن می‌شود خانواده‌ای که فضای اخلاقی آمیخته با محبت در آن حاکم باشد، برای سیر و تکامل و الگوبرداری فرزند، نسبت به خانواده‌ای که فضای اخلاق و محبت در آن مرده و به مرز نابودی کشیده شده است، به‌مراتب بیشتر کمک می‌کند. «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (اسراء: ۷). قرآن کریم نخست جامعه کوچک را با محوریت (رحامت زن) نه (صلابت شوهر)، می‌سازد؛ تا پس از ساخته شدن آن، جامعه بزرگتر با کنار هم قرار گرفتن جوامع کوچک شکل گیرد و همان‌گونه که از اجتماع آب‌های آلوده، دریایی زلال پدید نخواهد آمد؛ از انبوه خانواده‌های آلوده و ارحام ناسالم نیز هرگز مدینه فاضله شکل نمی‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۷، ص ۱۱۴)؛ سلامت رفتاری و روانی فرزند نیز به این عامل بستگی دارد (کی‌نیا، ۱۳۵۳).

۲-۱۰. حل مشکلات روزمره

براساس تحقیقات صورت‌گرفته در دنیا، گسست خانواده مترادف با گسست فرد است و خانواده‌ای که از هم‌گسسته و یا نیمه‌گسسته باشد

کنید و به یکدیگر هدیه دهید تا کینه‌ها از دل‌ها زدوده شود و رنگ محبت تمام فضای قلب را احاطه کند و این‌گونه نیست که اگر کسی محبت کرد، دیگر ما وظیفه‌ای نداریم. وقتی به قرآن کریم در این باب رجوع می‌کنیم که می‌فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن: ۶۰)؛ یعنی محبت کردن یک‌طرفه نیست و هر محبتی پاسخ در خور خودش را دارد. احسانی که در قرآن آورده شده است، نه اینکه به همان اندازه که محبت کرد پاسخ بدهیم؛ بلکه به معنای این است که بیشتر از آن پاسخ داده شود. پس همیشه شاخه گل لازمه هدیه دادن نیست؛ بلکه یک سخن محبت‌آمیز می‌تواند تمامی درد و مشکلات چندروزه را نابود کند. وقتی مردان از روز پرمشغله خود به‌خانه می‌آیند، آنجا اگر سخنان محبت‌آمیز همسر خود روبه‌رو شوند، آبی بر آتش درد آن روز می‌تواند باشد (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۴۳۳).

۳-۲. توجه کردن و مورد تفقد مناسب قرار دادن
دخالت‌های بیجا و بی‌مورد در امور شخصی محبوب، باعث بدبینی و بدگمانی می‌شود و در نتیجه رشته‌های محبت را می‌پوساند و علقه‌ها را از بین می‌برد. ولی اگر تفقدهای مناسب، مثل جویای احوال شدن، به‌عیدت رفتن، سلام رساندن‌ها و اموراتی که دخالت‌های بی‌جا محسوب نباشند، به‌طور مداوم وجود داشته باشد، باعث رشد محبت می‌گردد. بررسی سیره زندگی امیرمؤمنان علیه السلام و دیگر معصومان علیهم السلام در اطعام فقیران و پرداخت دیون دیگران، نمونه‌های روشن این مورد است. اینکه امام علی علیه السلام در نامه‌ای به مالک رضی الله عنه در مورد خانواده‌های فقیر، سفارش می‌کند به اوضاع و احوال آنها رسیدگی کن و آنها را مورد بررسی و تفقد قرار بده و احوال آنها را بپرس؛ همچنان‌که پدر و مادر جویای احوال فرزندش می‌شود «تفقد من امورهم ما يتفقد الولدان من ولدهما» (نهج البلاغه، ۱۳۷۷، نامه ۵۳) که اشاره به این اصل اساسی دارد؛ و اثر توجه کردن بسیار زیاد است (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۱۱۹).

۳-۳. هدیه دادن
هدیه دادن از امور پسندیده‌ای است که آثار مثبتی را در روابط انسانی برجا می‌گذارد. این امر تأثیر ویژه‌ای نیز بر روابط همسران و ایجاد سازگاری در میان آنها خواهد گذاشت. هدیه علاوه بر اینکه کینه را از دل هدیه‌دهنده و هدیه‌گیرنده خارج می‌کند؛ باعث ایجاد محبت و مودت میان آنها نیز می‌شود. در روایات متعددی جلب محبت از جمله نتایج

همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳). هیچ انسانی به‌تنهایی کامل نیست و پیوسته برای جبران کمبودهایش تلاش می‌کند. جوان در پی رسیدن به استقلال فکری خود، به سوی ازدواج سوق داده می‌شود و با گزینش همسری مناسب و شایسته، زمینه رشد و تکامل خویش را فراهم می‌کند. هدف اصلی و اساسی ازدواج، برای یک فرد مسلمان، دوری از گناهان و کسب تقواست تا اعمال و اخلاقیات کامل شود و در نهایت، به مقام والای انسانیت و قرب الهی نائل گردد؛ از این رو وجود همسری مؤمن و شایسته، برای رسیدن به چنین هدف مهمی ضرورت دارد (محمدی صیفار، ۱۳۹۴، ص ۱۹-۱۵).

خداوند در سوره «مائده» می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مائده: ۵۴). در این آیه، قرآن کریم اولین ویژگی را که برای مردان خدا ذکر می‌کند، همین محبت دو طرفه‌ای است که بین بنده و خالق خودش وجود دارد و این مجاهدت‌هایی که در راه خدا انجام می‌دهند به‌خاطر محبتی است که به پروردگارشان هست. در مسائل فردی نیز آن افرادی که احکام الهی را با محبت انجام می‌دهند، بیشتر و بادوام‌تر از بقیه است. در مسائل خانوادگی و اجتماعی نیز همین‌گونه است که تلاش افرادی که در خانواده همسری مهربان داشته‌اند و مشکلات خانوادگی نداشته‌اند، پدروم‌تر و مستمرتر بوده است که امثال این موفقیت‌ها را در خانواده‌های علما و بزرگان اسلام می‌توان مشاهده کرد (مه‌ریزی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰).

۳. راه‌های ایجاد محبت

۳-۱. سخن محبت‌آمیز

خوش‌زبانی باعث طراوت و شادابی در زندگی است؛ به زندگی روح می‌بخشد و آن را از بی‌معنایی رها می‌سازد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: هرگاه کسی را دوست داشتی، او را به آن آگاه ساز؛ زیرا این کار دوستی را در میان شما استوارتر می‌سازد (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۵۴).

محبت کردن و گفتن سخنان محبت‌آمیز برای همسر، همیشه می‌ماند و در ضمیر ناخودآگاه او حک می‌شود و بسیار ارزشمند است. این مطلب در زنان بیشتر ظهور و بروز دارد؛ نه اینکه مختص به بانوان باشد. اینکه بیان شده است انسان عبد احسان است، به این نکته طلایی برای خانواده اشاره می‌کند که زندگی خود را بر پایه محبت بنا

مسافتش پانصد سال است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۴۸).
 عبدالله بن مسعود گوید: نزد پیامبر ﷺ بودم، وقتی حسین بن علی وارد شد؛ پیامبر او را گرفت و بوسید، دهانش را بر دهان وی نهاد و گفت: خدایا من او را دوست دارم؛ پس تو نیز دوست بدار او را و هر کس او را دوست می‌دارد (همان).

۳-۵. صداقت

صداقت از صفات مؤثر در روابط خانواده است که زمینه اعتماد و برقراری رابطه به‌شمار می‌رود. صداقت در تحلیل روان‌شناسی به گفتار و رفتاری اطلاق می‌شود که فرد، انگیزه و قصدی مغایر با مفاد گفتار و رفتارش نداشته باشد؛ به بیان دیگر، فرد با صراحت و روراستی صحبت می‌کند. هنگامی که فرد در ارتباط کلامی و بدنی صداقت نداشته باشد، ارتباطی معارض یا دوسطحی برقرار می‌شود؛ به‌گونه‌ای که مفاد سخن فرد چیزی، و بقیه وجود او چیزی دیگر را بیان می‌کند و یا انگیزه و قصد او امری دیگر است. عدم صداقت در زن و یا شوهر، فضای خانواده را به بی‌اعتمادی و بدبینی می‌کشاند و زمینه اختلاف را فراهم می‌سازد (سالاری‌فر، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷).

صداقت از خصوصیات عالی اخلاق انسانی و یک اصل ضروری در زندگی زن‌شویی است. زن و شوهر با تکیه بر صداقت یکدیگر می‌توانند با اطمینان در کنار هم احساس امنیت و آرامش داشته باشند. اگر همسران به صداقت یکدیگر ایمان بیآورند، دیگر نیازی به بدبینی، سوگند، شک و تردید نخواهد بود. راست‌گویی سبب اعتماد و بهبود روابط می‌شود و از بروز سوءتفاهم جلوگیری می‌کند. باید یادآور شویم که منظور از صداقت، تنها صدق در گفتار نیست؛ بلکه هماهنگی گفتار و عمل فرد نیز هست (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۹).

۳-۶. کمک و یاری رساندن به همدیگر

از بارزترین مصادیق برای جلب و افزایش محبت، یاری‌رساندن و همکاری کردن است، که معمولاً برای کارهایی که وظیفه او نیست به میزان قابل توجهی باعث افزایش محبت می‌شود. در سیره بزرگان دین می‌بینیم که این امور را انجام می‌داده و زندگی آنها الگو و نمونه برای دیگران می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «خدمت کردن به خانواده، کفاره گناهان بزرگ است و خشم پروردگار را فرو می‌نشاند» (شهیدی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۷۵۱، ح ۲۷۶). در برخی موقعیت‌ها انجام

طبیعی هدیه دادن به‌شمار آمده است؛ «تهادوا تحابوا»؛ هدیه دهید تا به یکدیگر محبت پیدا کنید (حسین زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۹۵). رسول خدا ﷺ فرمودند: هر معروفی صدقه به‌شمار می‌آید و هر آنچه را که مؤمن برای خود و خانواده و همسرش هزینه کند و نیز هر آنچه با آن آبروی خود را حفظ کند، برایش صدقه نوشته می‌شود؛ و فرمودند: بهترین شما کسانی هستند که برای خانواده خود بهترین باشند و من برای خانواده خودم بهترین هستم و نیز فرمودند: کسی که به بازار رود و تحفه‌ای بخرد و آن را برای خانواده خویش ببرد؛ مانند کسی است که صدقه‌ای را به‌سوی نیازمندان می‌برد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۳۵).

حد و مرز هدیه باز، ولی استفاده‌کنندگان از آن، محدودند. ارزش هدیه بالاست؛ ولی عمل‌کنندگان به این حسنه، کم و معدودند. ارزش هدیه دادن، چه به همسر و چه به دیگران، نه‌تنها برای زندگی دنیایی بالارزش است؛ بلکه برای آخرت نیز بسیار سودمند است.

۳-۴. نوازش و در آغوش گرفتن

گاهی برای ایجاد محبت و ابراز عواطف باید فرد محبوب را در آغوش گرفت و او را نوازش کرد، تا بتوان با او هم‌نوا شد، تا احساس هم‌دردی کند. این کار تنها برای بیان یک احساس یا یک واکنش عاشقانه نیست؛ بلکه این حرکت می‌تواند پیامدها و حرف‌های زیادی داشته باشد. با یک نگاه عقلایی و فارغ از جوانب احساسی می‌توان نکته‌های نهفته در آن را برداشت کرد (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸).

در طول زندگی زوجین، ناکامی‌هایی را می‌توان احساس کرد. این ناکامی‌ها می‌تواند در روابط نامطلوب همسران تأثیر منفی بگذارد و برای مهار این ضایعه، از زن و شوهر می‌خواهیم تا در حلقه، به هم نزدیک‌تر شوند؛ دست همدیگر را بگیرند و نگه دارند و در کنار یکدیگر بمانند؛ تا بدانند که گرچه ناکامی‌هایشان بسیار است؛ اما آنها تنها نیستند و همدیگر را درک می‌کنند و ذهنیت مثبتی برای یکدیگر دارند. گاهی پیامدهای لمس یکدیگر (به آغوش کشیدن) کمتر از زبان نیست؛ و انرژی‌ای که از راه لمس منتقل می‌شود، بسیار مؤثرتر از زبان است. دلگرمی و همدلی را می‌توان از پیامدهای لمس دانست (حسین زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۰۱).

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: هر کس فرزندش را ببوسد؛ خدا برایش نیکی می‌نویسد؛ همچنین فرمودند: فرزندان‌تان را زیاد ببوسید؛ به‌راستی که برای شما در برابر هر بوسه، درجه‌ای در بهشت است که

واقعیت‌های موجود، شرایط فرد، خانواده، گروه و جامعه، زندگی خانوادگی و اجتماعی را دچار بحران می‌سازد. بسیاری از مشکلات و ناهنجاری‌های جوامع بشری، ریشه در سوءظن‌های ناآگاهانه و طمع‌آلودی دارد که افراد بر دیگری، رومی‌دارند. خوش‌بینی نسبت به مسائل زندگی و تبیین‌هایی خوش‌بینانه از حوادث ناخوشایند نیز در توانایی روبرویی با مشکلات تأثیر می‌گذارد. در مقابل، تبیین‌هایی بدبینانه ممکن است افراد را دچار حالت‌هایی عاطفی منفی و در نتیجه بازداری ایمن کند. در این حالت، احتمال بروز بیماری‌های جسمی نیز بیشتر می‌شود. خوش‌بینی، فرد را به تلاش برای طراحی نقشه‌هایی برای حل مشکل سوق می‌دهد. فرد با عمل به این نقشه‌ها، انتظار دارد امور غالباً مطابق نظر او پیش می‌رود و همین امر کوشش او را مضاعف می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت دیدگاه مثبت در زندگی با تأثیر بر حالات عاطفی، روابط اعضای خانواده با یکدیگر را بهبود می‌بخشد (سالاری‌فر، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸). فردی که به دیگران خوش‌گمان است و رفتارهای سؤال‌برانگیز آنان را توجیه می‌کند، مهم‌ترین دست‌آورد را برای خود کسب می‌کند و آن اینکه آسوده‌خاطر بوده و از افکار منفی که آسایش او را مختل می‌کند به‌دور خواهد بود. در مقابل، فرد بدگمان چون همواره منفی‌نگر است و جنبه نامطلوب رفتار دیگران را می‌پذیرد، آرامش و آسایش خود را از دست می‌دهد و همیشه پریشان‌خاطر، مضطرب و نگران خواهد بود (حسین‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۷۶).

۳-۸. چشم‌پوشی از خطاها

بیشترین سفارش اسلام در مورد مسائل خانوادگی، گذشت و چشم‌پوشی زن و شوهر از لغزش‌ها، کج‌خلقی‌ها و اشتباه‌های یکدیگر است؛ زیرا زن و شوهر همانند دیگر انسان‌ها، روحیات و طرز تفکری دوگانه دارند. آنهایی که مدعی‌اند در همه موارد مانند هم می‌اندیشند و موافق و هماهنگ‌اند، شاید هنوز زمینه و موقعیتی نیافته‌اند که خصلت‌های واقعی همدیگر را بشناسند. حتی اگر زن و شوهری با روحیه مشترک پیدا بشوند، باز هم هیچ‌یک از اشتباه و خطا و عصبانیت در امان نیستند. از این رو اهمیت گذشت و تأثیر آن در تداوم روابط سالم آشکار می‌شود. وجود گذشت، بی‌گمان کانون خانواده را با حرارت نگاه می‌دارد، عشق و محبت را افزایش می‌دهد و اختلاف و مشاجره را پایان می‌بخشد. گذشت، نشانه حسن نیت و

دادن امور همسر که قاعدتاً باید خود او انجام دهد، تأثیر معجزه‌آسایی دارد و حتی از اظهار محبت زبانی بیشتر کارساز است؛ چون در این شرایط، همسر احساس می‌کند که به او نه تنها ابراز محبت شده؛ بلکه عملاً همسر قدمی در جهت رفع نیازهای او و ابراز عشق به وی برداشته است (حسین‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۹۵).

رسول خدا ﷺ وارد خانه امیرمؤمنان ﷺ شدند و مشاهده کردند که ایشان مشغول پاک کردن عدس هستند؛ آنگاه فرمودند: اگر مردی به زنش در امر خانه کمک کند، پروردگار عالم از او خشنود می‌شود و به او نظر رحمت می‌کند و بهشت را برایش واجب می‌کند. همچنین کسی که به‌خاطر خدا برای راحتی و آسایش خانواده‌اش زحمت بکشد و کار کند، مثل این است که در راه خدا جهاد کرده است (مظاهری، ۱۳۶۷، ص ۱۱۰).

پیامبر اکرم ﷺ بهترین الگوی همسرداری به‌شمار می‌روند که با منش خود مسیر اعتدال را به ره‌پویان خویش می‌آموزند. امام صادق ﷺ فرمودند: سه تن از زنان نزد رسول خدا ﷺ آمدند؛ یکی از آنها گفت: همسر من گوشت نمی‌خورد؛ دیگری گفت: شوهرم عطر نمی‌پوید؛ سومی گفت: همسر من به زنان نزدیک نمی‌شود؛ پس رسول خدا درحالی که ردایش را به زمین می‌کشید، از منبر بالا رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمودند: چه می‌شود که گروهی از اصحاب من گوشت نمی‌خورند و عطر نمی‌پویند و نزد زنان نمی‌روند؟ همانا من هم گوشت می‌خورم و هم عطر می‌پویم و هم نزد زنان می‌روم؛ هرکس از سنت من اعراض کند از من نیست (حجاری و دیگران، ۱۴۱۹ق، ص ۱۸۷).

امیرمؤمنان ﷺ در بیانی کوتاه نقش بی‌بدیل حضرت زهرا را در شوهرداری چنین توصیف کرده‌اند: به خدا سوگند که تا زنده بود، نه او را عصبانی و نه به کاری مجبورش کردم؛ او نیز نه مرا عصبانی کرد و نه در کاری از من نافرمانی کرد. هنگامی که به او نگاه می‌کردم، غم‌ها و اندوه‌ها از من برطرف می‌شد (حسینخانی، ۱۳۹۲، ص ۸).

۳-۷. حسن ظن (مثبت‌نگری)

مثبت‌اندیشی و حسن ظن به دیگران، افزون بر باروری عواطف انسانی، سبب رفع یا کاهش ناهنجاری‌های خانوادگی و اجتماعی است. نگاه منفی به دیگران نه تنها منجر به کاهش و از میان رفتن عواطف انسانی می‌شود؛ بلکه براساس آموزه‌های اسلامی، این نوع نگاه، مذبوم و نکوهش شده است. منفی‌بافی و نادیده گرفتن

کردن، صداقت و حسن ظن، گرم نگه داشته می‌شود و با عنایات ربوبی، خانواده‌ای با آرامش و تربیت سالم برای خود و فرزندان را به جامعه هدیه می‌دهد. صداقت، حسن ظن و قناعت نیز از دیگر راه کارهای ایجاد محبت در خانواده است. همچنین آثار محبت در خانواده شامل تربیت صحیح، پیشگیری از تعرض و حل مشکلات خانواده نیز از یافته‌های دیگر این تحقیق است که همگی وقتی در کنار یکدیگر قرار بگیرند، خانواده موفق اسلامی را تشکیل می‌دهند.

خوش‌بینی به زندگی است. گذشت و چشم‌پوشی و عواطف طرفین، اثری نیکو دارد و طرز فکر و شیوه عمل آنان را متحول می‌کند. چه بسیار تیرگی‌ها که در پرتو این صفات از میان بر خاسته و جای خود را به صفا و صمیمیت سپرده است (حسنیا، ۱۳۸۰، ص ۲۰۱).

۳-۹. قناعت

در عصر حاضر، وسایل رفاهی گسترش پیدا کرده و زمینه استفاده از امکانات جدید و تجملی پیشرفت کرده است. این امر باعث شده در محیط خانواده‌ها نیز تفاوت‌های بسیاری در امکانات زندگی مشاهده شود. مثلاً امکان زندگی مادی بهتر برای همگان میسر نیست و در این رقابت بسیاری عقب می‌مانند. این اختلاف درآمد و تفاوت در مواهب زندگی مادی، ممکن است زمینه‌ای برای بروز نارضایتی و تعارض در خانواده شود. در تعالیم اسلام برای پیشگیری و کاهش این اختلاف، افراد را به قناعت و دوری از تجمل توصیه می‌کنند. کسی که از صفت قناعت برخوردار است، به اندازه‌ای از مواهب مادی که نیازهای او را کفایت کند، رضایت می‌دهد و خود را برای کسب درآمد بیشتر به زحمت و فشار شدید نمی‌اندازد. اگر اعضای خانواده به‌ویژه زن و شوهر به‌میزان درآمدی که با تلاش به‌دست آورده‌اند، راضی باشند و در این زمینه، خود و دیگران را به زحمت نیندازند، به اندوه و رنج کمتری دچار خواهند شد (سالاری‌فر، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰). اولین ثمره قناعت، آسایش فردی است که به این صفت متصف می‌شود. هنگامی که فرد به آنچه در اختیار دارد، بسنده کرده و زندگی خود را با توجه امکانات موجود، سازمان می‌دهد، سختی‌های بسیاری را از سر می‌گذراند و از فعالیت‌های طاقت‌فرسای اظهار نیاز به دیگران و... آزاد می‌شود. در بعد خانوادگی نیز اکتفا کردن به امکانات موجود، بسیاری از نگرانی‌ها را از زندگی مشترک دور می‌سازد (حسین‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۹۰).

نتیجه‌گیری

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت خانواده که مهم‌ترین کانون جامعه محسوب می‌شود و اثر آن متقابلاً بر جامعه ظهور دارد، ایجاد و تقویت محبت در آن به رفع بسیاری از معضلات جامعه کمک می‌کند و جامعه‌ای سربلند و موفق است که پایه‌های خانواده در آن محکم باشد. یک خانواده ایرانی که بر مبنا و اهداف اسلام پایه‌ریزی شده است، با سخنان و جملات محبت‌آمیز، هدیه دادن و نوازش

عالمی، حسین، ۱۳۹۰، «حجاب نشانه عظمت زن»، *روزنامه رسالت*، شماره ۷۲۶۶.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، *کتاب العین*، چ دوم، قم، هجرت. فقهی، علی نقی و حسن نجفی، ۱۳۹۲، *عوامل تربیت عاطفی فرزندان در خانواده؛ برگرفته از احادیث*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

فلاح رفیع، علی، ۱۳۹۱، «روش شناسی الگو در انتقال ارزش‌ها»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ش ۲، ص ۵۷-۳۳.

قائم امیری، علی، ۱۳۸۳، *خانواده مسائل همسران*، چ سیزدهم، تهران، امیری.

_____، ۱۳۹۲، *خانواده در اسلام*، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

قائم، علی، ۱۳۷۳، *خانواده و مسایل عاطفی کودکان*، تهران، امیری.

_____، ۱۳۹۸، *نظام حیات خانواده در اسلام*، چ دوازدهم، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.

کی‌نیا، مهدی، ۱۳۵۳، «کانون خانوادگی و بزهکاری»، *مکتب اسلام*، ش ۶۳، ص ۱۳-۹.

محمدی صیفار، مهدی، ۱۳۹۴، *از تفاوت تا تفاهم*، قم، طریق معرفت نقلین. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۷، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین، اسکندری، چ ششم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مطهری، مرتضی، ۱۳۹۶، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران، صدرا.

مظاهری، حسین، ۱۳۶۷، *خانواده در اسلام*، قم، اعتماد.

مهریزی، مهدی، ۱۳۸۱، *زن در اندیشه اسلامی*، تهران، طبع و نشر.

یوسفیان، نعمت‌الله، ۱۳۸۶، *تربیت دینی*، قم، زمزم هدایت.

منابع.....

نهج البلاغه، ۱۳۷۷، ترجمه علی شیروانی، چ سوم، قم، معارف. ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر. احمدی، محمدرضا، ۱۳۸۰، «نقش صله رحم در بهداشت روانی»، *معرفت*، ش ۴۸، ص ۳۷-۲۹.

اسماعیلی یزدی، عباس، ۱۳۸۵، *فرهنگ تربیت*، چ دوم، قم، مسجد مقدس جمکران.

آقای زاده، احمد، ۱۳۸۵، «خانواده از منظر فمینیسم و قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، دوره دوازدهم، ش ۴۸، ص ۴۱-۱۰.

آیت‌اللهی، زهرا و همکاران، ۱۳۹۲، *دانش خانواده و جمعیت*، قم، معارف.

بصیری، حمیدرضا و مریم گوهری، ۱۳۹۲، «نقش وراثت در سرنوشت انسان از منظر قرآن و حدیث»، *سراج منیر*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۱۲۸-۱۰۵.

جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸، *ثسور زندگی*، اصفهان، حوزه علمیه اصفهان.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، *تفسیر موضوعی قرآن مجید*، قم، اسراء.

_____، ۱۳۹۳، *خانواده متعادل و حقوق آن*، قم، اسراء.

_____، ۱۳۹۵، *مفاتیح الحیاة*، چ دویست و ششم، قم، اسراء.

چراغی کوتیانی، اسماعیل، ۱۳۸۸، «رویکرد اسلام به چهار کارکرد مهم خانواده»، *معرفت*، ش ۱۳۹، ص ۵۴-۳۵.

حجازی، سیدمهدی و دیگران، ۱۴۱۹ق، *درر الاخبار*، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

حراملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۲ق، *وسائل الشیعه*، بیروت، مؤسسه آل‌البیت.

حسینیا، احمد، ۱۳۸۰، *بهداشت روانی ازدواج و همسررداری*، تهران، مفید.

حسینخانی، هادی، ۱۳۹۲، *ارزش‌های خانوادگی و روش‌های تحقیق آن از دیدگاه اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

حسین زاده، علی، ۱۳۸۷، *همسران سازگار: راه کارهای سازگاری*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

حسینی، داوود، ۱۳۸۸، *روابط سالم در خانواده*، چ یازدهم، قم، بوستان کتاب.

حیدری، محمود و همکاران، ۱۳۹۶، «کیفیت زندگی زنان سرپرست خانواده: نقش تاب‌آوری و کارکرد خانواده مبتنی بر مدل مک مستر».

خانواده پژوهی، ش ۱۳(۵۱)، ص ۴۰۷-۴۲۱.

دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۷، *المفردات الفاظ القرآن*، قم، دفتر نشر نوید اسلام.

سالاری، محمدرضا، ۱۳۸۵، *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

شرفی، محمدرضا، ۱۳۷۶، *دنیای نوجوان*، چ چهارم، تهران، تربیت.

شعبی سروستانی، ابراهیم، ۱۳۹۱، *رسانه ملی و تغییر سیاست جمعیتی؛ مسئله‌شناسی راهبردها و سیاست‌ها*، چ دوم، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.

شهیدی، سیدجعفر، ۱۳۶۳، *تحلیلی از تاریخ اسلام*، تهران، نهضت زنان مسلمان.